



A Content Analysis of the Well-Known Phrase “Paradise Lies beneath the Feet of Mothers” (al-jannatu taḥta aqdām al-ummuhāt)

Mohammadtaghi Golmohammadi Shouroki¹ | Mohammad Sharifi²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran. Email: golmohammadi@yazd.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Yazd University, Yazd, Iran. Email: m.sharifi@yazd.ac.ir & Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants) Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: mo.sharifi@theo.ui.ac.ir

Abstract

The dignity and elevated status of mothers is an undisputed truth widely emphasized in the Qur'an and Hadith. The attribution of the phrase “الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ” (al-jannatu taḥta aqdām al-ummuhāt, “Paradise lies beneath the feet of mothers”) to the Prophet Muḥammad (PBUH) is highly prevalent, although some hadith scholars consider its chain of transmission weak and unreliable. Nevertheless, given the widespread circulation of this saying among the general public and even within scholarly circles of both Shi'ite and Sunni traditions—and considering the jurisprudential principle that fame (shuhra) may compensate for a weak chain—it becomes essential to focus on the content and meaning of this well-known phrase. Using a descriptive-analytical approach grounded in the methodology of fiqh al-ḥadīth (jurisprudence of hadith), this study seeks to provide a correct reading and understanding of the narration by examining interpretive possibilities through the analysis of parallel traditions, lexical features, and the discursive context of the hadith. The research ultimately addresses the question of how far this popular narration can be deemed reliable. The findings suggest that, through comparison with similar narrations and interpretive readings, four main understandings of the phrase emerge. Among them, the interpretation that “attaining Paradise depends upon the conduct of mothers” appears to be the most precise and contextually grounded reading.

Keywords: al-ummuhāt, al-jannah, Paradise, mother.

Cite this article: Golmohammadi Shouroki, M., & Sharifi, M. (2025). A Content Analysis of the Well-Known Phrase “Paradise Lies beneath the Feet of Mothers” (al-jannatu taḥta aqdām al-ummuhāt). *Quranic Researches and Tradition*, 58 (2), 267-285. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI:<https://doi.org/10.22059/jqst.2025.402140.670528>



Article Type: Research Paper

Received: 11-Sep-2025

Received in revised form: 8-Nov-2025

Accepted: 11-Nov-2025

Published online: 16-Nov-2025



تحلیل محتوایی عبارت مشهور «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»

محمدتقی گل محمدی شورکی^۱ | محمد شریفی^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: golmohammadi@yazd.ac.ir
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: m.sharifi@yazd.ac.ir و دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت علیهم السلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: mo.sharifi@theo.ui.ac.ir

چکیده

منزلت و عظمت جایگاه مادر از مسلمانی است که در آیات و روایات، بدان بسیار پرداخته شده است. انتساب «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» به نبی اکرم (ص) بسیار رایج و شایع است؛ در حالی که شماری از محققان آن را از برخوردار از اعتبار سندی نمی‌دانند. با این حال، با توجه به شهرت این سخن میان عموم مردم و حتی برخی عالمان شیعه و اهل سنت، و با لحاظ این قاعده که شهرت، جبران ضعف سند می‌کند، توجه به محتوای آن و تحلیل مفاد آن ضروری می‌نماید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به علم فقه الحدیث در پی خوانش و فهم صحیح از این روایت تحلیل و بررسی برداشت‌ها و تفاسیر ممکن از این سخن مشهور، با بررسی احادیث مشابه، تحلیل واژگانی و فضای گفتمانی حدیث است تا به این سوال پاسخ داده شود که این روایت مشهور تا چه اندازه می‌تواند مورد اعتماد باشد؟ یافته‌های تحقیق، حاکی از آن است که با توجه به روایات مشابه و خوانش‌های گوناگون، در مجموع، چهار تفسیر و برداشت برای این عبارت مشهور، وجود دارد که از این میان شاید «رسیدن به بهشت، در گرو عملکرد مادران است»، دقیق‌ترین برداشت ممکن باشد.

کلیدواژه‌ها: الأمهات، الجنة، بهشت، مادر.

استناد: گل محمدی شورکی، محمدتقی، و شریفی، محمد (۱۴۰۴). تحلیل محتوایی عبارت مشهور «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ». پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۲)، ۲۶۷-۲۸۵.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.402140.670528>



مقدمه

مادر، در هر دین و آیینی، که در طول تاریخ آمده، از جایگاه و عظمت والایی برخوردار است و احترام به او، واجب شمرده شده. ادیان مختلف، با همه اختلافاتی که دارند در این زمینه اتفاق نظر داشته و همه با دید احترام به مادر می‌نگرند و مقام مادر را از مقام هرکس دیگر، برتر و بالاتر می‌دانند. عموم پیامبران، افزون بر توصیه‌های بسیار درباره احترام به مادر، خود در مقابل مادر، تکریم نموده و برایش طلب رحمت کرده‌اند.

گاه، از زبان برخی عوام الناس، جملاتی با این مضمون شنیده می‌شود که: «به بهشت نمی‌روم، اگر مادرم آنجا نباشد» یا «بهشتی که مادرم آنجا نباشد، اصلاً بهشت نیست». این عبارات، به نوعی برگرفته از روایات متعدد اهل بیت علیهم السلام و روایت مشهوری است که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ». شهرت این روایت به حدی است که در بسیاری از کتاب‌ها و نوشته‌ها باز گفته‌اند (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۶: ۲۱۸) این حدیث از مشهورترین سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، تا جایی که شاید هیچ‌کس گمان ضعف و جعل آن را به خود راه ندهد

این پژوهش، برآن است که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از عوامل زبانی در فقه الحدیث یعنی؛ دلالت‌های واژگانی، ترکیبات حدیث و قرائن حاکم بر متن، درک صحیح ساختار متن، سبک بیان و چیدمان؛ این حدیث را مورد واکاوی قرار داده و به تحلیل و بررسی تفاسیر و برداشت‌های متعدد این روایت و روایات شبیه به آن، پردازد.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های صورت گرفته، تا کنون مقاله‌ای با این عنوان نوشته نشده و تنها مقاله‌ای با عنوان «بررسی سخن الجنة تحت اقدام الامهات» از رستگاری جزئی و رحمت‌پناه (۱۳۹۴) این روایت را از لحاظ سندی بررسی و این بررسی به ضعف سند حدیث منجر شده است؛ از آنجا که روایت مذکور در افواه عموم مردم و حتی بسیاری از بزرگان، شایع و رایج است، این پژوهش، کاری بس بایسته و تازه است تا دانسته شود که آیا متن حدیث می‌تواند جابر ضعف سند باشد یا خیر؟

۱. تحلیل سندی روایت

قبل از بررسی محتوایی حدیث مذکور اجمالاً و در حد نیاز (با توجه به پژوهش انجام گرفته در این راستا) به تحلیل سندی آن اشاره می‌شود:

با بررسی کتب روایی شیعه، اعم از کتب اربعه متقدم (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) و همچنین جوامع ثلاثه روایی متأخر (وافی، وسایل الشیعه و بحار الانوار) چنین روایتی یافت نشد، بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولابی (م. ۳۱۰ ق) نخستین کسی است که این روایت را از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله چنین گزارش کرده: «سمعت عبدالله بن احمد یقول: ابی یقول: سمعت جریر بن حازم کنیته ابوالنضر الأذبار قال: حدثنا انس بن مالک قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «الجنة تحت اقدام الامهات» (دولابی، ۱۴۲۰: ج ۲: ۲۹۶) بعد از او رجالی معروف عبدالله بن عدی (۳۶۵ق) با سندی متفاوت می گوید: ثنا عمر بن سنان ثنا عباس بن ولید اسمع ثنا موسی بن عطاء ثنا ابوالملیح عن میمون بن مهران عن ابن عباس، قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم... (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۶: ۳۴۷-۳۴۸) و پس از او عبدالله بن حبان اصبهانی با سندی دیگر به «ابی النظر الأبار و انس بن مالک» رسانده است. (ابن حبان، ۱۴۰۲: ج ۳: ۵۶۸-۵۶۹) در مجموع می توان گفت این سه مسیر در اسناد روایت موجود است که قدیمی ترین آن به اوایل قرن چهارم هجری برمی گردد. دو مسیر سندی اول و سوم از شخصی به نام «ابوالنظر الادبار از انس بن مالک» نقل شده که در منابع رجالی درباره «ابونظر ادبار» سخنی گفته نشده و احتمالات دیگری هم که در شخصیت ایشان ممکن است بیان شود مخدوش بوده و منابع حدیثی هم روایت دیگری از او نقل نکرده اند. در سند دوم از ابن عدی هم «موسی بن محمد بن عطاء» آمده که رجالیون جرح او را گزارش داده اند (ر. ک. رستگاری، ۱۳۹۴) از منابع شیعی نیز طبرسی در تفسیر خود این روایت را از قول انس بن مالک بدون بیان سلسله سند آورده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸: ۴۳۱) محدث نوری در مستدرک به نقل از قطب راوندی از لب اللباب دو حدیث «الجنة تحت اقدام الأمهات» و «تحت اقدام الأمهات، زوضة من ریاض الجنة» به صورت مرسل و بدون بیان سلسله سند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر کرده است. (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵: ۱۸۱) به نظر می رسد که نقل این حدیث در منابع شیعی برگرفته از احادیث اهل سنت باشد. اما در بیان اینکه آیا روایت مشابهی وجود دارد تا براساس آن احتمال ادعای نقل به معنای روایت مطرح کرد، باید گفت، صنعانی (۲۱۱ق) روایتی به نقل از «جاهمه بن عباس سلمی» از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه بیان کرده: هنگامی که جاهمه قصد داشت در جنگ شرکت کند، پیامبر از ایشان پرسیدند آیا تو را مادری هست؟ ایشان گفتند بله، پیامبر فرمودند: «الزمها فإن الجنة عند رجليها، ثم الثانية، ثم ثالثة كذالك» ملازم و همراه او باش که بهشت نزد پای اوست. (صنعانی، بی تا: ج ۵: ۱۷۶) این روایت به گونه های متعدد در منابع روایی نقل شده است که احتمال نقل به معنای آن در روایت محل بحث است.

۲. تحلیل متن روایت

احادیث، مانند دیگر متون قدیمی، بخشی از یک فضای فرهنگی اجتماعی هستند و نباید از آغاز تا پایان کوشش برای فهم حدیث، تنها به الفاظ یا اعتبار سنجی اسناد آن بسنده کرد، بلکه تحلیل محتوا و متن می تواند خلأهایی که در این زمینه وجود دارد را جبران کند از این رو بین حدیث پژوهان مشهور است که «متن می تواند جابرضعف سند باشد» لذا در مواجهه با یک حدیث، فراتر از سند صدور آن، باید به معنای واژگان، مقاصد نویسندگان و شرایط تولید متن، را هم شناسایی کرده تا به فهمی کامل در زمینه

صدر دست پیدا کرد. براین اساس فرایند تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، که از لوازم شناخت متن است باید مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. تحلیل واژگان متن حدیث

در فرایند تحلیل متن ریشه‌شناسی واژگان و معناشناسی اصطلاحی جهت دریافت معانی کلمات الهی و روایات معصومین از اقدامات مهم و ضروری است تا اگر واژه‌ای در طی تاریخ دچار تحول و تطور معنایی شده مشخص یا اگر دارای معنای نهفته در متن است به کشف لایه‌های معنایی بپردازد.

الف- «الجنة» در لغت: از ریشه «ج ن ن» و به معنای السَّتر آمده است. ابن فارس می‌گوید: جَنَّة به معنای بهشتی است که مسلمانان در آخرت به آن وارد می‌شوند و ثواب پوشیده‌ای است که امروز از آنان پوشیده است. او همچنین می‌گوید: الجَنَّة به معنای بستان و باغ هم بوده و این به خاطر درختانی است که به وسیله برگ پوشیده شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱: ۴۲۱) برخی ریشه این واژه آرامی یا سریانی دانسته که در این زبانها تخصیص معنایی یافته و به معنای پاداش نیکوکاران به کار رفته است. (جفری، ۱۳۷۲: ۱۰۳-۱۰۴) هورویتس ریشه این واژه را به فرهنگ و دین یهود ارجاع داده و آن را با ترکیب gan eden (بهشت آسمانی) که در تورات سفر پیدایش، به کار رفته هم‌معنا می‌شمرد. (هورویتس، ۱۹۶۴: ۵۲) مشاهده می‌شود که این واژه ریشه در هرکدام داشته باشد اصطلاحاً به معنای بهشت موعود و جایگاهی برای پاداش اعمال خیر پس از مرگ شمرده می‌شود.

در آیات قرآن حدود ۱۴۷ بار به جنت اشاره شده که در مجموع می‌توان گفت همان باغ و بستان یا زیستگاه نیک‌بختان (هود: ۱۰۸) با توصیفات خاص و دل‌انگیز بوده (رعد: ۳۵؛ یس: ۵۶؛ مطفین: ۲۸؛ زخرف: ۷۳) و در اصطلاح دینی، می‌توان گفت «الجنة» نام مکان جاویدان، نعمت و سعادت است، که بار فرهنگی و ارزشی زیادی دارد و نماد رضایت الهی و سعادت مطلق است.

ب- واژه «تحت»: ظرف مکان مبهم و دائم الاضافه نقیض فوق که در فرهنگ‌های لغت عرب معانی متعددی دارد. در لسان العرب آمده: از جهات شش‌گانه و به معنای زیر، پایین، تحت تاثیر یا در محور قرار گرفتن است (ابن منظور، بی‌تا: ج ۲: ۱۷) این واژه در قالب‌های گوناگون متنی معانی خاص همان موقعیت را متحمل می‌شود و از لغاتی است که معنای کنایی و نمادین و مجازی مختلفی را به خود می‌گیرد به عنوان مثال؛ تحت الشَّرَف (زیر نظر یا تحت نظر) و تحت الشَّرْط (مشروط بر) و تحت الحکم (زیر حکم یا تابع فرمان) است. در کاربردهای نمادین، «تحت» به معنای درجه یا مرتبه‌ای والا، در قالب حمایت یا پیروی است. گاه در معنای انتساب یا تابعیت کار می‌رود و به معنی تابع بودن یا زیر نظر کسی قرار داشتن است (تحت‌الحمایه یا تحت‌الرعايه) و در حقوق اداری به معنای بیان وضعیت، زیر اقتدار یا حاکمیت بودن و در اصطلاح فقهی، حقوقی به معنای تحت‌الکفاله و تحت‌قیمومیت بودن است.

در روایت مذکور واژه تحت نمی‌تواند به معنای لغوی «زیر و نقیض فوق» باشد. در متن ابن حدیث، مفهوم «تحت» بیشتر نماد جایگاه حمایتی، برتری یا زیرمجموعه بودن دارد. یعنی بهشتی که زیر نظر یا تحت الکفاله یا قیمومیت پروردگار است و برای رسیدن به آن باید رضایت و هدایت الهی شامل حال بنده شود. در عین حال، در معنای نمادین، «مقام» «جایگاه» «رضایت» و یا «هدایت مادر» قرار می‌گیرد.

ج- لغت «اقدام» (جمع «قدم») از ریشه (ق د م) است، ابن فارس می‌گوید: اصل صحیح یدل علی سبق و رعب (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۵: ۶۵) دلالت بر سبقت و پیشی گرفتن دارد. قاموس قرآن و العین؛ آن را به معنای پا، عضو حرکت‌پذیر دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۲۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ج ۵: ۲۵۶) و به تعبیر راغب اصل در قدم پا و تَقَدُّمٌ و معنای پیش افتادن باعتبار آن است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۶۰)

همان‌طور که ابن فارس می‌گوید «قدم» دلالت بر سبقت گرفتن و معنای پیشی و مقدم شدن دارد و اگر در عربی به پا قدم گفته می‌شود شاید به خاطر آن است که به وسیله آن سبقت گرفته می‌شود و به جلو می‌روند، برای همین غالباً در فارسی و عربی علاوه بر معنای «پای» به «مقدار استاندارد فاصله هر قدم گفته شده، یعنی هم به معنای حرکت با پا و هم فاصله‌ای که در هر حرکت پا برداشتن طی می‌شود و به معنای گام و خطوه، استفاده می‌شود، شاید خطوه و گام بهترین معنایی باشد که بر آن اطلاق می‌شود گرچه غالب لغویون به معنای پا آورده‌اند.

در معنای مجازی، نشانگر و نماد استقامت، پایه، و مبنای قدرت و تلاش، ارزش و گاه به معنای مقام و جایگاه «فَبِؤُحْدِ بِالتَّوَّاصِي وَ الْأَقْدَامِ» (الرحمن: ۴۱) یا منزلت فرد در اجتماع یا در نزد خداوند دارد. «وَيَثْبُتُ بِهِ الْأَقْدَامِ» (انفال: ۱۱)

د- «امهات» از ریشه «ا. م. م.» در لغت به معنای مادر، اصل، پایه و منبع است. (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۶: ۹) در مجامع لغوی، «ام» به معنای مادر، یک مفهوم عمیق است. مصطفوی می‌گوید: أم الشی الاصله و الام الوالده (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۱: ۱۴۷) و فیومی آورده: (الأمُّ) الْوَالِدَةُ وَ قِيلَ أَصْلُهَا (أُمَّهَةٌ) و لهذا تُجْمَعُ عَلَى (أُمَّهَاتٍ) (فیومی، ۱۴۲۸: ج ۲: ۲۳) ابن اثیر می‌گوید: استعمال آن در مادر حقیقی به قدری شهرت دارد که احتمال داده می‌شود، در «مادر» حقیقت و در معانی دیگر مجاز است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱: ۶۷) در قرآن کریم از نه مورد واژه «أم» سه مورد به معنای مادر به کار رفته است «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶) «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» (قصص: ۷) حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ (لقمان: ۱۴) و بقیه موارد به معنای اصل، ریشه و پایه است این واژه در قرآن و متون دینی نماد رحمت بی‌پایان است که منبع حیات و پرورش است. جایگاه مادر در اصول اخلاقی و دینی، نماد ارزش، احترام و مقام مقدس است. معانی کنایی و نمادین «الأم» در این موارد، به کرامت، منشأ نیکی، پایداری و ارزش والای انسانی اشاره دارند.

۲-۲. تحلیل محتوایی حدیث

هرجمله از یک یا چند کلیدواژه اصلی برخوردار است که استخراج آنها به منظور سنجش فراوانی آن در روایات دیگر و تحلیل معنایی آن با روایات مشابه، برای درک ادبیات به کار گرفته شده از طرف معصوم بسیار مهم است. ارتباط مستقیم تحلیل محتوا با تحلیل متن و تحلیل و تطبیق آن با روایات مشابه برای کشف فراوانی واژگان هم معنا، می‌تواند فهم عمیق‌تری نسبت به متن حاضر حاصل کند و نشان دهد که موضوع اصلی متن چه بوده و بر چه مسائلی تأکید داشته‌است. گرچه به طور طبیعی هر جمله دارای یک پیام و محتوای اصلی است، اما این احتمال نیز وجود دارد که فراتر از مضمون اصلی، مضامین یا پیام‌های جدیدی نیز بتوان از جمله استخراج کرد.

در روایت حاضر عموم مردم و حتی اندیشمندان در راستای شهرت حدیث به برداشت مشهور اکتفا کرده در حالی که برداشت‌های دیگری نیز می‌توان از مضامین آن داشت که به آنها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. رضایت مادر، سبب ورود به بهشت است

ساختار زبانی و عوامل تأثیرگذار بلاغی در برداشت و تفسیر روایات تأثیر بسزایی دارند که روایت مذکور از نظر معنایی و برداشت‌های لغوی در بردارنده موارد زیر است:

۱. «بهشت»، علاوه بر معنای لغوی که باغ اخروی یا نتیجه اعمال اخروی است نماد نهایی سعادت و رضایت الهی است.

۲. «تحت اقدام»، «تحت» دارای معنای نمادین تابعیت و زیر نظر و زیر سیطره و «اقدام»، به معنای قدم و پا، نماد عظمت، جایگاه و مقام، و در مجموع به معنای در سیطره و زیر نظر و مرتبط بودن است، یعنی بهشت و رضایت الهی زیر نظر و تابع این جایگاه و مقام است و به عنوان مسیر مستقیم و به سمت خوشبختی سبقت گرفتن است. در این برداشت از روایت تحت اقدام معنای نمادین محسوب شده یعنی بهشت مرتبط با مقام و منزلت مادر بوده و این دو به هم متصل هستند. در این برداشت تحت اقدام بمعنای پایین‌ترین سطح یا مخفی بودن است همان‌طور که امام علیه‌السلام در حدیثی پیرامون مخفی کردن و بازگو نکردن برخی سخنان می‌فرماید: «فَأَذِفُوا كَلَامَهُ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ» دفن الکلام تحت الأقدام کنایه عن إخفائه و کتمه (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲: ۷۵) همچنین با این بیان می‌توان تحت اقدام را کنایه از نزدیکی و در دسترس بودن هم دانست به این معنا که بهشت آن قدر نزدیک و در اختیار تو است (یعنی زیر پای مادرت است) که می‌توانی با تواضع و اکرام به مادر به آن راه یابی، همان‌طور که گفته شده: «و توقع الفرج من تحت الأقدام» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱: ۳۴۱) [و انتظار گشایش از زیر پاها داشته باشید] کنایه از نزدیکی و آسانی دستیابی به آن است

۳. «امهات»: «ام» به معنای حقیقی آن مادر/ «والده» و نماد محوری محبت، کرامت، ارزش و جایگاه است و نشان از تأثیر نقش بنیادین مادران در انسان و جامعه دارد.

با بررسی فضای معنایی روایت این ساختار نشان داده می‌شود که رضایت و بهشت الهی مرتبط با مقام و منزلت مادر و تحت نظر و تابع محبت و کرامت به مادران است و جایگاه مادران، نه فقط در جهان فانی، بلکه در تعالی روحانی بشر، کلیدی است. رابط معنایی درون‌متنی واژگان، علت و معلولی است و احترام به مادر و رضایت او علت برای رضایت الهی و دستیابی بهشت است. بدون رضایت او نمی‌توان به رضایت الهی و بهشت دست‌یافت. این برداشت بر اخلاق و رابطه عاطفی فرزند با مادر تکیه دارد. رضایت قلبی مادر، مقدمه‌ای بر رضایت الهی و راهی برای نجات انسان تلقی می‌شود.

شاید بتوان گفت، مشهورترین معنای حدیث مزبور که در ظاهر و باطن الفاظ نهفته است این باشد که «بدون رضایت مادر، نمی‌توان به بهشت و نعمتهای بهشتی دست‌یافت.» این همه ارج نهادن به مقام مادر شاید به خاطر زحماتی است که مادر متحمل می‌شود.

با بررسی روابط بینامتنی میان ساختار معنایی مد نظر و آیات و روایات مرتبط با آن، مشاهده می‌شود که فضای ارتباط معنای بیان شده؛ که در میان مسلمانان هم شهرت یافته؛ با آیات و روایات موجود کاملاً مرتبط و متصل است.

مهمترین آیات مرتبط با برداشت مذکور از روایت، شریفه‌ی «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (الأحقاف: ۱۵) و شریفه‌ی «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» (لقمان: ۱۴) است که با تفسیر بیان شده از روایت «الجنة تحت أقدام الأمهات» ارتباط معنایی کامل دارند. این آیات که به زحمات مادر اشاره دارند، مکمل تحلیل حدیثی هستند و تطابق برداشت‌ها را تقویت می‌کنند.

مهمترین روایات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که در فضای ارتباطی مستقیم این برداشت می‌توان اشاره کرد: روایت «جاهمه» است که قبلاً به آن اشاره شد، و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در جواب جاهمه فرمودند: «الزُّمَّهَاءُ فَإِنَّ الْجَنَّةَ عِنْدَ رِجْلَيْهَا» که در بیشترین تطبیق معنایی دارند و نتیجه ملازمت و احترام به مادر را بهشت دانسته‌اند.

همچنین روایات تکمیلی متعددی هستند که ارتباط معنایی بیرونی^۱ و دلالت التزامی با موضوع دارند مثل: * رضایت و خشم خدا را در گروهی رضایت والدین می‌دانند «رَضَا اللَّهُ مَعَ رَضَا الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲: ۳۶۸) * یا احادیثی که نیکی به والدین را هم‌ردیف یا برتر از برخی عبادات می‌دانند «مَا مِنْ وُلْدٍ بَارٍ يَنْظُرُ إِلَىٰ وَالِدَيْهِ نَظْرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ» (همان) و «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَرُّ الْوَالِدَيْنِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۶۲، حدیث ۲) و «مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۳۶۸) همچنین روایت «نَظَرَ الْوَالِدِ إِلَىٰ وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ» (ابن

^۱-ارتباط معنایی بیرون متنی یعنی: از نظر لغوی و معنای ظاهری شباهت تام ندارند اما از نظر سیاقی یا معانی و برداشت‌های باطنی به هم ارتباط پیدا کرده یا یکی می‌باشند.

شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۶) و روایاتی امثال: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبْرُّ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبَاكَ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۶۰) که در تحلیل واژگانی کلمات: رضا، پاداش الهی، والدین (که مادر هم جزء آن است) با واژگان روایت مذکور ارتباط بینا متنی بیرونی دارند. محور این برداشت‌ها رضایت عاطفی است و نزدیکی واضحی با مضمون حدیث «الجنه» دارند.

از موارد دیگر تحلیل محتوا، ارتباط معنایی برون‌متنی و دلالات التزامی آیات یا روایات صادره از همان معصوم علیه‌السلام با تفسیر موجود از متن است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: -قرار دادن نیکی به والدین بعد از توحید در شریفه: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء: ۲۳) - و روایات: عاق والدین و عدم ورود به بهشت: خَمْسَةٌ لَا تُطْفَأُ نِيرَانُهُمْ وَلَا تَمُوتُ أَيْدَانُهُمْ رَجُلٌ أَشْرَكَ بِاللَّهِ وَ رَجُلٌ عَقَّ وَالِدَيْهِ وَ ... (نوری، ۱۴۰۸: ج ۹: ۱۴۹) - رضایت والدین «رضا الرب في رضا الوالد، وسخط الرب في سخط الوالد» (پاینده، ۱۳۶۳: ۵۰۲) و امثال آن که متعدد هستند. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۱؛ طبرسی، ۱۳۸۵: ۱۶۹؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲: ۳۶۸؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ج ۱: ۲۶۹)

قابل توجه است. در بررسی فضای فراگفتمانی روایات (یعنی بررسی روایت مذکور با روایات مشابه از دیگر معصومین که در زمان و فضایی متفاوت صادر شده) روایات هم‌معنا؛ از نگاه درون‌متنی، برون‌متنی و حتی در تحلیل واژگانی، در این زمینه فراوان است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۱۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۱: ۲۲)

۲-۲-۲. وجوب استقرار مادر در بهشت (استحقاق بهشت برای مادر)

معنای دیگری که از حدیث «بهشت زیر پای مادران است» برداشت می‌شود آن است که گفته شود این عبارت، کنایه از استقرار مادران در بهشت است.

از نظر معنایی، واژگان روایت در این برداشت؛ «جنه» در همان معنای برداشت قبل بوده، اما «تحت اقدام»، «تحت» به معنای اصلی خود «زیر» و «اقدام» با معنای مشهور لغوی یعنی عضو بدن، «پا»، و «امهات» هم، بر معنای حقیقی خود، «والده» [مادر] است. که نشان از حضور مادر یا لزوم و استحقاق بهشت برای مادر دارد. وقتی مکانی زیرپای کسی باشد نشان از حضور او در آنجا دارد و وقتی رسول مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به این امر اشاره می‌کنند، یعنی جایگاه مادر در بهشت است. «تحت اقدام» می‌تواند علاوه بر معنی مکان، نماد جایگاه القاء شده برای «ام» باشد که می‌تواند کنایه از عظمت و جایگاه رفیع مادر باشد.

این برداشت کمتر در منابع مستقیم آمده، گرچه از نظر واژگان و کشف فضای ساختاری روایت، ارتباط عمیق‌تری با این برداشت حس می‌شود اما از لحاظ کشف معنای ارتباطی بین متون، آیات یا روایاتی که فضای ارتباطی تطابقی و متصل با برداشت مذکور داشته باشند یافت نشد.

از نظر ارتباطات برون متنی و دلالت‌های التزامی دو دسته روایات در این زمینه وجود دارد ۱- روایاتی که دال بر استحقاق بهشت برای مادران به خاطر سختی‌هایی که وابسته به شرایط و فطرت آفرینش متحمل آن می‌شوند. ۲- روایات دال بر کسب بهشت به خاطر تلاش و زحماتی که در جایگاه مادری می‌کشند. تفاوت این دو در آن است که استحقاقیت بهشت در اولی به دلیل سختی‌هایی است که به خاطر جایگاه مادری ذاتا متحمل می‌شوند در این جا فقط باید این جایگاه را حفظ کنند اما در دومی جایگاه مادری به آنها موقعیتی می‌دهد که بتوانند با تلاش و زحمت بهشت را کسب کنند.

برخی روایات دسته اول، که تعداد بیشتری داشته و از نظر فضای ارتباطی، ارتباط نزدیکتری با برداشت مورد نظر دارند عبارتند از: رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره کرد: «لِلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَمْلِهَا إِلَى وَضْعِهَا ثُمَّ إِلَى فِطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ هَلَكَتْ فِيهَا بَيْنَ ذَلِكَ كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۳۴) و روایتی از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله که می‌فرماید: «فَإِذَا أَرْضَعْتَ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَضَّةٍ كَعَدَلٍ عِتْقٍ مُّحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱: ۴۵۱) همچنین در حدیثی مفصل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اشاره به بخشش گناهان مادر هنگام وضع حمل و ثوابهایی مثل روزه و نماز شب برای شیردهی بیان شده و می‌فرماید: «زمانی که زن فرزند خود را از شیر بگیرد، خداوند به او می‌فرماید: ای زن! گناهان گذشته‌ات را بخشیدم، پس عمل را از نو آغاز کن» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵: ۱۵۶)

در گفتمان روایات صادره از ائمه دیگر نیز روایاتی در این زمینه آمده که از نظر معنای ارتباط برون‌متنی با دلالت التزام قابل تطبیق است: امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ مُّسْلِمَةٍ مَاتَتْ فِي نَفْسِهَا لَمْ يُنْشَرْ لَهَا دِيْوَانُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱: ۱۳۹) همچنین فرمودند: «ای حواء! هر زنی که درد زایمان او را بگیرد، پاداش شهید برایش نوشته می‌شود؛ و اگر در همان حال بمیرد، با شهیدان محشور می‌شود» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵: ۲۱۴)

دسته دوم روایاتی است که درباره لزوم ادب آموزی، نامگذاری درست و خصوصا تربیت فرزند، وارد شده است. گرچه این روایات در فضای معنایی روایت مذکور نیست؛ اما با دلالت التزام می‌توان اجر و ثوابی که برای والدین شمرده شده با کمی اغماض در راستای رسیدن به بهشت دانست. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ بِالْأَخْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلَّفَ لَهُ وَتَعَلَّمَ مِنْهُ وَتَأَدَّبَ مِنْهُ» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۵: ۱۶۱) رحمت خداوند بر کسی که فرزند خود را با نیکی کردن به وی و دمسازی با او و آموزش و ادب کردن وی، در نیکو شدنش یاری دهد. همچنین «نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وُلْدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةً» (همان، ۱۷۰) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله «مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعَى بِالْأَبْوَيْنِ فَيَكْسِبَانِ حُلَّتَيْنِ بِيضِيَّ مِنْ نُورِهِمَا وَجُوهَ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶: ۴۹) هرکس به فرزندش قرآن بیاموزد، آن فرزند [در روز قیامت] همراه پدر و مادرش فراخوانده می‌شود تا دو جامه بر تن آن دو بیوشند به گونه‌ای که چهره‌های بهشتیان از فروغشان بدرخشد.

همچنین از امام سجاد علیه‌السلام آمده است: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِمْ وَ شَرِّهِمْ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ [لَهُ]» (همان، ۱۶۸)

گرچه این برداشت از روایت دارای ضعف ارتباط معنایی بوده و دارای دلالت التزامی غیربیین یا التزام تبعی است اما می‌تواند یکی از احتمالات بعید مورد نظر قرار گیرد.

این تحلیل از متن با نگاه هستی‌شناختی و تقدیر الهی به مادر شکل گرفته که براساس آن می‌توان گفت: برای دستیابی به بهشت و نعمتهای آن، دو راه وجود دارد: ۱- این که با تلاش و مجاهدت و انجام فرامین و ترک منهیات الهی، بهشت و حدّ اعلاّی آن را کسب کرد. ۲- برخی انسانها به دلیل شرایط و نحوه زندگی آنها، بهشت را به آنها داده‌اند و تکالیفی که دیگران برای رسیده به بهشت دارند از آنها ساقط شده‌است؛ تنها کاری که بایستی انجام دهند این است که، بهشت را از دست ندهند. مادران از این گروهند. دلیل سومی که می‌تواند استحقاقیت بهشت برای مادران را رقم بزند، تربیت فرزندان است بنابراین نگاه ایشان، به سبب تربیت نسل صالح، مستحق بهشت‌اند، مادران از آن جهت که فرزندان تحت سیطره آنها هستند و مسئولیت تربیت آنها را بر عهده دارند و به قول معروف؛ از دامن زن، مرد به معراج می‌رود؛ به عنوان معلمان و پیام‌آوران الهی مستحق بهشت می‌باشند در این برداشت بهشت در ازای تلاش آنها در راستای هدایت و تربیت، به آنها تعلق می‌گیرد.

۲-۳-۲. مادر، در بر دارنده اوصاف بهشتی است

یکی دیگر از معانی محتمل که می‌توان از حدیث مزبور، به دست آورد این است که: راه کسب دلخوشی و لذت‌زیستن، و حس کردن اوصاف بهشتی زیر سایه مادر و مشمول لطف و حمایت مادر بودن است. از نظر ساختار لغوی، برداشت معنای فوق، مبتنی بر این است «الجنة» را از معنای اصل لغوی خارج کرده و در معنای دلالت تضمینی آن؛ یعنی بیان کل و قصد جزء؛ لحاظ شود. بهشت همان باغی و بستانی است که جایگاه و پاداش نیکوکاران در آخرت است و لازمه این جایگاه؛ به عنوان پاداش اخروی؛ آن است که در بردارنده نعمات و صفات لذت بخش و خوشایند باشد لذا در متون روایی و قرآن کریم لذت‌های فراوانی برای بهشت شمرده شده‌است که از جمله آنها: آرامش‌های روحی و جسمی است. «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۷) «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس: ۲۵) خانه صلح و سلامت و آرامش است. «وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا» (حجر: ۴۷) هرگونه کینه، حسد و دشمنی از آنها برکنده می‌شود، «لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ» (هیچ سختی و خستگی به آنها نمی‌رسد و هیچ‌گاه از آنجا رانده نمی‌شوند)

در این برداشت، معنای «تحت اقدام» به معنای کنایی «تحت الشرف» زیر نظر یا «تحت الظل» زیر سایه، همچنین «تحت الحمایه» است و «أم» نیز به معنای اصل خود مادر است. در نتیجه از نظر ساختار لغوی و فضای ارتباط معنایی روایت چنین می‌شود: همان‌طور که بهشت محل رحمت و آرامش

است، مادر نیز سرچشمه این صفات در دنیاست. مهربانی مادر، تجلی کوچکی از رحمت واسعه الهی است که در بهشت به صورت کامل ظهور پیدا می‌کند. یعنی خصوصیات و رفتار مادان به گونه‌ای است که بهشت را تحت اشراف خود دارند رفتارهای آرامش بخش و مهر و وفای مادر به گونه‌ای است که گویی بهشت هم در حوزه تسلط و اختیار اوست، یا اینکه خصوصیات بهشت نشأت گرفته از رفتار مادر است. همان‌طور که در اشعار عرب هم آمده «أضع الدنيا تحت قدمي» یعنی دنیا را تحت اختیار و اشراف خود قرار دادم. یا اینکه در متون عرفانی فارسی می‌گویند: «جهان زیر قدم عارف است» یعنی عارف بر جهان اشراف دارد.

این برداشت از روایت بیش‌تر از جنبه روان‌شناختی به نقش آرامش‌بخشی مادر پرداخته و او را مأمونی برای آسایش روحی معرفی می‌کند. و بیشتر نگاه نمادین دارد که مهربانی، گذشت، صبر، و بخشندگی مادر، بازتابی از صفات اهل بهشت است.

گرچه از دیدگاه روانشناختی و دینی این یک حقیقت مسلم است که صفات و روحیات فطری مادر شبیه همان لذت‌های روحی و فطری انسان است که نماد بارز آن در بهشت یافت می‌شود اما در فضای معنای ارتباط درونی و ارتباط مستقیم روایی، روایتی که مطابق به این برداشت باشد یافت نشد. از نظر ارتباطات برون‌متنی هم، که در آن این معنا از روایت تبادر به ذهن کند، یافت نشد اما با دقت در روایات با دلالت التزام عقلی یا غیربیین شاید بتوان برخی از روایات صادره از معصومین را که تلاش، از خود گذشتگی و ایثار مادر را در آن بیان کرده، با برداشت مذکور تطبیق داد: امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «أَمَا حَقُّ أُمَّكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَأَطَعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ جَوْفِهَا مَا لَا يَطْعَمُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَوَقَّتَكَ بِسَمْعِهَا وَبَصَرِهَا وَبِدَهَائِهَا وَرَجْلَيْهَا وَجَمِيعِ جَوَارِحِهَا، مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ، فَرِحَةً، مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَالْمَهْمَا وَتَقْلُهَا وَغَمُّهَا، حَتَّى دَفَعْتَكَ إِلَى يَدِ رَبِّكَ وَأَقَامْتَكَ فِي الْأَرْضِ» (و اما حق مادرت بر تو این است که بدانی: او تو را در حالی حمل کرد که هیچ‌کس دیگری چنین باری را بر دوش نمی‌گیرد، و از میوه وجود خود به تو غذا داد، چیزی که هیچ‌کس به دیگری نمی‌دهد، و با گوش و چشم و دست و پای خود و همه اعضایش از تو محافظت کرد، با شادی و رضایت، با تحمل سختی‌ها، دردها، سنگینی‌ها و اندوه‌ها، تا آن‌که تو را به دست پروردگارت سپرد و بر زمین استوار کرد) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۳) اشاره به از خودگذشتگی و فداکاری مادر دارد که باعث سلامت، امنیت و آرامشی است که هیچ‌کس دیگری انجام نمی‌دهد و می‌تواند مشابه آرامش بهشتی باشد. یعنی تنها در بهشت است که ایثار، فداکاری، گذشت و آرامشی که نزد مادر است پیدا می‌شود و «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» می‌گوید: ملازم و ملاصق مادر باش که آرامش و صفای بهشت را درک می‌کنی.

۲-۴. رسیدن به بهشت، در گرو عملکرد مادر است.

یکی از معانی مهمی که حدیث مزبور می‌تواند داشته باشد و بسیار از این معنا، غفلت شده، این است که گفته شود، راه رسیدن به بهشت و به اصطلاح، «بهشتی شدن»، شیوه عملکرد مادر است. در این تفسیر، واژه «الجنة» همان بهشت موعود است و «أقدام» به معنای گام یا همان خطوه یعنی حرکت و رو به جلو رفتن باشد؛ نه عضو بدن؛ «تحت اقدام» کنایه از تحت نظر یا «تحت الکفاله» و نماد بارز مربی و معلم بودن است به معنای حرکت و عملکرد تربیتی مادر است و «أم» معنای مادر می‌دهد، یعنی بهشتی شدن و کسب رضایت الهی، متوقف بر عملکرد و تلاش تربیت مادری است که کفالت و تربیت انسان را بر عهده دارد. نکته قابل توجه در این برداشت آن است که، شاید دلیل استفاده از واژه «أقدام» از این رو باشد که پا، وسیله حرکت است و خط مشی انسان را تعیین می‌کند. کلمه پا، گویای این است که راه و روش زن، باید طوری باشد که بتواند در اجتماع، بهشت بسازد و به عبارت دیگر، سعادت اجتماع با روش گام برداشتن زنان، تعیین می‌شود. لذا فرموده: بهشت به دست مادران است. خداوند متعال در سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» (۶۵: انعام). عبارت «مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» در آیه، بسیار در خور دقت است؛ زیرا نگفت: (من فوقکم و من تحتکم)؛ چون اقدام و گام برداشتن به سوی زشتی‌ها و گناهان، باعث عذاب می‌شود و عذاب، تنها نتیجه عمل و اقدام است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ج ۴: ۱۰۷)؛ چنانکه در جای دیگر فرمود: «جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده: ۱۷) و در جای دیگر فرمود: «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱) یعنی فساد با دستها یا نیروهای خود مردم در بَرُّ و بحر ظاهر می‌شود و نقطه مقابل آن حصول بهشت است که از گام برداشتن مادر در حال محبت و مهر و عمل نسبت به همسر و فرزند حاصل می‌شود. در لسان العرب نیز آمده است: این که گفته: «الجنة تحت بارقة السيوف» و «الجنة تحت أقدام الأمهات»، منظور این است که این امور، منجر به بهشت می‌شود (ابن منظور، بی تا: ج ۸: ۳۳)

این برداشت به نقش تربیتی و تاثیر مادری در شکل‌گیری شخصیت ایمانی فرزند می‌پردازد. و در یک معنای نمادین می‌گوید: اگر مادر، انسان را درست تربیت کند انسان بهشتی می‌شود و اگر در این امر سستی کند احتمال جهنمی شدن انسان وجود دارد. همان‌طور که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (نهج البلاغه: نامه ۳۱) (قلب فرزند نوجوان مانند زمین خالی است که هرچه در آن کشت کنی می‌پذیرد) و زن به واسطه مادری و اینکه همیشه در کنار فرزند است مهم‌ترین فردی است که می‌تواند در این زمین خالی کشت کند و اگر خود تربیت درست آموزش دیده و به ارث برده باشد آن را در مسیر کمال انسانی فرزند قرار می‌دهد.

تَزَوُّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ؛ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (فیض کاشان، ۱۴۰۶: ج ۳: ۷۰۶)

با بررسی روابط بینامتنی میان برداشت موجود از آیات و روایات مواردی که دال بر ارتباط مستقیم و تطابق ظاهری با برداشت مذکور داشته باشد یافت نشد اما در ارتباط التزام و روابط بینامتنی بیرونی در برداشت‌های تفسیری می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد:

نسل و فرزند صالح و بهشتی در گروهی تربیت مادر صالح و مومن است. مادری که خود بهشتی است و بهشت را زیر اقدام خود دارد یقیناً فرزندى بهشتی را تربیت می‌کند، در سوره مریم می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ * يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ اِزْكِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران: ۴۳-۴۲) (هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. * ای مریم! برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن) علامه طباطبایی می‌گوید: «اصطفای مریم»، همان تقبل او است برای عبادت خداوند و این که عیسی علیه‌السلام از او متولد می‌شود و اینکه او و فرزندش آئینی برای عالمیان باشند، آئینی که مصدق کلام خدا باشد که فرمود: «وَ لَيْسَ الذَّكْرُ كَالْأُنْثَى». و «تطهیر مریم»، عبارت است از مصونیتش به عصمت خدای تعالی از گناهان و اینکه خداوند دعای مادرش را مستجاب کرد؛ پس آن جناب، هم اصطفاء شده است و هم معصوم (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳: ۱۸۸) از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی این خلوص و عبادت جایگاهی به مریم می‌دهد که فرزندى چون عیسی به او داده شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۲: ۴۰۹) نتیجه آن می‌شود که رفتارهای الهی مادر در تربیت دینی فرزند تأثیر داشته و موجبات سعادت او را تا بالاترین مرحله فراهم می‌کند این نکته در تفسیر آیه «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثَىٰ وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَ لَيْسَ الذَّكْرُ كَالْاُنْثَىٰ وَ اِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ» (آل عمران: ۳۶) به ذهن می‌رسد که بر اساس این آیه، همسر عمران و مادر حضرت مریم (س) علاقه داشت صاحب پسری شود تا خدمتگزار بیت المقدس باشد؛ ولی خداوند متعال به او دختر (مریم) داد. شاید در نگاه اول، گفته شود که دعای مادر حضرت مریم، مستجاب نشد؛ ولی با کمی دقت، مشخص می‌شود که خداوند دعای او را به بهترین وجه، به اجابت رساند. چون او پسری می‌خواست که با خدمت به بیت المقدس، سعادت مند شود و خداوند، شرط استجاب این دعا را این گونه قرار داد که این پسر موعود، ابتدا باید در دامان یک زنی ویژه و برگزیده و مادر تمام عیار، تربیت شود تا در سایه تعلیم و تربیت چنین مادری بتواند به این مقام، دست یابد. علامه طباطبایی می‌فرماید: «وَ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ»، استفاده می‌شود که می‌خواهد بفرماید ما می‌دانیم که فرزند او دختر است، و لیکن با دختر قرار دادن فرزند او خواستیم آرزوی او را به بهترین وجه، برآوریم، و به طریقی برآوریم که او را خشنودتر سازد، و اگر او می‌دانست که چرا فرزند در شکم او دختر شد هرگز حسرت نمی‌خورد و آن طور اندوهناک نمی‌شد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳: ۱۷۲-۱۷۳). یکی دیگر از مفسران در تفسیر این آیه می‌گوید: «خداوند، مریم را با بهترین وجهی پذیرفت و او را با بهترین روش، پرورش داد و او را آماده ساخت که توسط او معجزه بزرگ و منحصر به فردی در تاریخ، اتفاق بیفتد» (جعفری، بی تا: ج ۲: ۱۱۴) همچنین در تفسیر آیه «وَ الَّتِي اٰخَصَّتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُّوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الانبیاء: ۹۱) آمده است: «پاکدامنی مادر، می‌تواند او و فرزندانش را به بالاترین مقام‌ها برساند» (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۵: ۴۹۲)

و این موضوع با روایت حضرت صادق علیه السلام تطابق دارد که می‌فرماید: «تَزَوُّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسَ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۹۷) (با خانواده صالح ازدواج کنید زیرا ریشه‌ها به نسل سرایت می‌کند) یعنی جایگاه و رفتار و تربیت مادری در هدایت و سعادت فرزندان تأثیرگذار است. حضرت علی (ع) نقش مادر را در ایجاد سجایای اخلاقی در فرزندان بسیار مهم می‌دانند و می‌فرمایند: «حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۴۶) سجایای اخلاقی دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی) مادر از بدو بارداری برعهده گرفته‌است. همان‌طور که علی علیه السلام می‌فرماید: «تَخَيَّرُوا لِلرِّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ، فَإِنَّ الرِّضَاعَ يَغَيِّرُ الطَّبَاعَ» (بروردی، ۱۳۸۶: ج ۲: ۸۳۴) یعنی انتخاب دایه خوب برای فرزند در طبیعت و رفتار فرزند شیرخوار تأثیرگذار است. یعنی تربیت فرزند توسط مادر بیش هر کس دیگری اهمیت دارد چراکه اگر تربیت توسط دیگران با تعلیم و آموزش است، تربیت توسط مادر با ظرافتی همراه است که خوراک، تغذیه و تمام رفتارهای ریز و درشت مادر در سعادت‌مند و بهشتی شدن تأثیر بسزایی می‌گذارد. این همان پرورش یافته در دَمَن است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «از سبزه‌ها که در میان پلیدی‌ها می‌رویند بیرهیزید. پرسیدند سبزه‌های مذکور چیست؟ فرمودند: زن زیبایی است که در محیط پست و آلوده پرورش یافته است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵: ۳۳۲). از این رو بهشت زیر پای مادری است که پرورش انسان را در مسیر سعادت قرار می‌دهد، از زمانی که فرزند در بطن مادر است تا شیردادن و آموزش‌های کودکی محبت‌های بعد از آن، از اعمال و رفتار مادرانه نقش مستقیم دارد که امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: دیدم مادرم شب تا صبح برای دیگران دعا کردند وقتی گفتم چرا برای خودمان دعا نکردی فرمود: «الجار ثم الدار» یعنی نه تنها گفتار و تعلیم مادر بلکه رفتارهای مادری که فرزند بیشترین زمان خود را با او سپری می‌کند، می‌تواند فرزند را بهشتی کند. لذا از لحاظ فضای گفتمان فرامتنی تحلیل‌های تربیتی متعددی از روایات ائمه علیهم‌السلام در دست است که دال بر لزوم تربیت فرزند و سعادت فرزند توسط والدین و مادر است. گرچه فضای ارتباطی مستقیم و تطابق ظاهری روایات با روایت مذکور کمتر یافت می‌شود.

تحلیل فضای گفتمانی روایت

شرایط تاریخی و فرهنگ و نیاز مرسوم در جامعه از مهمترین عناصر خلق گفتمان احادیث هستند. بررسی این شرایط می‌تواند تعیین‌کننده رویکرد گفتمانی متون روایی و تحلیل درست برداشت‌های تفسیری روایات باشد. کشف روابط میان روایات و همسویی آنان برای تحلیل فضای گفتمانی بسیار موثر است.

با توجه به تحلیل‌های متن (درون‌متنی و برون‌متنی) و فضای فراگفتمانی (بررسی روایت با روایات مشابه معصومین دیگر که در زمان و فضای دیگری صادر شده) در مورد چهار تفسیر مطرح شده از روایت «الجنة تحت أقدام الأمهات» می‌توان چنین گفت که:

بیشترین فضای گفتمانی صریح روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آیات قرآن که با برداشت مذکور تطابق ظاهری و باطنی دارد، ناظر بر احترام به مادر و ارزش جایگاه او است. از نظر فراوانی روایات هم، بیشترین احادیث از چهار برداشت مذکور پیرامون جایگاه و ارزش احترام به مادر صادر شده است. همچنین با بررسی فضای گفتمانی روایات مشابه (روایت جاهمه؛ که قصد جنگ کرده بود و پیامبر وقتی متوجه مادر پیر ایشان می شود او را به ماندن نزد مادر سفارش می کند) نیز به این نتیجه می رسیم که فضای موجود، گفتمان احترام به مادر بوده است.

از نظر فضای فراگفتمانی نیز فراوانی احادیث مرتبط از ائمه علیهم السلام خصوصاً در دوره صادقین و امام رضا علیهم السلام و در دعاهای صحیفه سجادیه، پیرامون ارزش و لزوم احترام به مادر است. در مرتبه بعد، فراوانی آیات و روایات خصوصاً در برداشتهای برون‌متنی و تعبیر مشابه به برداشت چهارم که یک برداشت تربیتی و شیوه فرزند‌پروری است، می رسد. همان‌طور که مشاهده شد در تحلیل قرآنی آیات گوناگونی اشاره ارتباط سعادت‌مند شدن انسان و جایگاه مادری دارد روایات نیز تأکید فراوانی بر شیوه تربیت والدین و تأثیر تربیت و جایگاه والدین و مادر بر هدایت و سعادت فرزند دارند تا جایی که ممکن از در برخی موارد برداشتهای برون‌متنی و دلالات التزامی از روایات پیرامون اهمیت تربیت فرزند و سعادت او به دست مادر، بر برداشت اول سبقت بگیرند.

از همین رو در تفسیر آیه شریفه «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَا اُنْثٰى وَّ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَّ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثٰى وَّ اِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ» (آل عمران: ۳۶) علامه طباطبایی می گوید: دو جمله «وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ، وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى»، از همسر عمران نیست، بلکه کلام خدای تعالی است، که بعنوان جمله معترضه آورده شده است.

از ظاهر جمله می توان گفت معنای ضمنی آیه، این است که آن پسری که تو می خواهی و ما قرار است آن را به تو بدهیم، فردی خاص و ویژه است و باید تحت شرایطی خاص و ویژه تربیت شود. از این رو، ما ابتدا مادر او را اصطفاء و تطهیر می کنیم تا با عبادت و خودسازی و خوردن روزی پاک و آسمانی و تحت تعلیم و تربیت و کفالت پیامبر الهی - حضرت زکریا (ع) - بتواند آن پسر موعود را به دنیا آورد یعنی پسر موعود، ابتدا باید در دامان یک زنی ویژه و برگزیده و مادر تمام عیار، تربیت شود تا در سایه تعلیم و تربیت چنین مادری بتواند به این مقام، دست یابد. (والله اعلم).

با این توصیفات، می توان گفت: «مادر، آفریده‌ای آفریننده است»؛ یعنی گرچه مادر، خود مخلوق الهی است؛ ولی می تواند با رعایت شرایط، مواظبت و انجام تکالیف مادری و با اذن و توفیق الهی، فرزندی نیکو سرشت و سعادت‌مند، تحویل جامعه بدهد و یا برعکس، با عدم رعایت شرایط فوق، از او فرزندی شقی به بار نشیند. و از اینجاست که جمله معروف امام خمینی (ره)، به ذهن می رسد: «از دامن زن، مرد به معراج می رسد» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷: ۳۴۱)

فضای گفتمانی قرآن و روایات در سرتاسر زمان حضور ائمه بر این امر استوار بوده که: برنامه زندگی و سعادت در اسلام بر این اصل استوار است که قرار گرفتن در نهاد خانواده‌ای شایسته، هم فرد و هم

جامعه بشری را به کمال و سعادت، نزدیک می‌نماید و زمینه معراج حقیقی و لذت ابدی انسان را در دنیا و آخرت مهیا می‌کند. و از آن جا که مهمترین رکن این بنای رکن سعادت، وجود مقدس و عروج دهنده زن در نقش مادری و همسری است. بهشت، سعادت و معراج حقیقی ایمان آورندگان به خدا و برنامه سعادت بخش اسلام، از طرفی در زیر قدم‌های مدبرانه، دلسوزانه و تربیت تاثیرگذار و با اهمیت زن در نقش مادر نهفته دانسته و از طرف دیگر، نقش همسری زن درحقیقت، مجاهده‌ای مستمر در جهت عروج و تعالی تک‌تک افراد خانواده و به تبع آن جامعه، می‌داند. از این روست که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۳: ۳۸۵) منشأ بیشترین خوبی‌ها زنان هستند. بنابراین، زن در نقش مادر و همسر اگر درست به وظایفش عمل کند؛ هم صالح است و هم مصلح؛ هم خود، عروج می‌کند و هم بقیه را عروج می‌دهد.

برداشت‌های دوم و سوم در مراتب بعدی فضای گفتگمانی و ارتباط معنایی با روایت «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» دارد.

نتایج

بررسی و تحلیل سند حدیث؛ گویای این است که سند حدیث مذکور در منابع روایی مهم و معتبر شیعه، اعم از کتب اربعه متقدم و جوامع ثلاثه متاخر، نیامده است؛ فقط برخی منابع از جمله، مستدرک وسایل الشیعه محدث نوری، این روایت را به صورت مرسل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده است. روایات مرسل دیگری شبیه به این مضمون در برخی منابع روایی شیعه، آمده است. این حدیث در منابع روایی اهل سنت، منکر و ضعیف، شناخته شده است؛ اما در این منابع، احادیثی شبیه به الفاظ این حدیث وجود دارد که برخی منابع آنها را صحیح و حسن معرفی کرده‌اند و برخی دیگر آنها را تضعیف نموده‌اند. می‌توان با استناد به برخی دانشمندان گفت سند این احادیث، ضعیف است؛ ولی متن و محتوای آنها صحیح است و در تضاد با دیگر منابع استنباط از جمله کتاب، سنت و عقل نیست.

تحلیل محتوای این حدیث که علی‌رغم ضعف سند در بین منابع روایی شیعه و اهل سنت و عدم نقل آن در منابع معتبر و دست اول فریقین، شهرت خاصی در بین خواص عالمان و عموم مردم، داشته و دارد، نشان می‌دهد که از حدیث مزبور، دو مقصود و معنا در بین مردم، رایج است: ۱- رضایت مادر، سبب ورود به بهشت است. ۲- بهشت بر مادر، واجب است؛ اما عموماً از دو برداشت و معنای دیگر حدیث، غافل مانده‌اند. این دو معنی عبارتند از: ۱- مادر، باعث دلخوشی و شادمانی در زندگی است. ۲- رسیدن به بهشت، در گرو عملکرد مادر است. به نظر می‌رسد معنا و مقصود چهارم، بیشتر مد نظر حدیث باشد؛ هرچند معانی اول و دوم نیز دور از ذهن نیست، از این رو می‌توان گفت که متن حدیث می‌تواند جبران‌کننده ضعف سند آن باشد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. بیروت: مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران،
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). عوالی الثالی. ۴ جلد. قم: دارالسیدالشهدا
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). النهاية فی غریب الحدیث و الأثر. ۵ جلد. محقق: محمود محمد طناحی. چاپ چهارم، قم: انتشارات موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق). (۱۳۷۶ش) الامالی. تهران: کتابچی
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ۴ جلد. تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن حبان بستی، ابوحاتم (۱۴۰۲ق). کتاب المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین. تحقیق: محمود ابراهیم زاید. سوریه: نشر دارالوعی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: نشر جامعه مدرسین
- ابن عدی، عبدالله (۱۴۰۹ق) الکامل فی ضعفاء الرجال. ۸ جلد. تحقیق: یحیی مختار غزالی. بیروت: دارالفکر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. ۶ جلد. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب. ۱۵ جلد. چاپ سوم، بیروت: دارصادر
- بروجردی، آقاسین (۱۳۸۶ش). جامع احادیث الشیعة. ۳۱ جلد. تحقیق جمعی از محققان. تهران: فرهنگ سبز.
- پاینده، ابو القاسم (۱۳۶۳ش). نهج الفصاحة. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دنیای دانش
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب الاسلامی
- جعفری، یعقوب (بی تا). کوثر. قم: نشر هجرت.
- جعفری، آرتور (۱۳۷۲). واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات توس.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ۳۰ جلد. قم: موسسه آل البيت

خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش). صحیفه امام. ۲۳جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دولابی، محمدبن احمد (۱۴۲۰ق). الکنی والاسماء. ۳جلد. بیروت: دارالکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ش). مفردات الفاظ قرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی. چاپ دوم. تهران: نشر مرتضوی،

رستگار جزئی، پرویز و رحمت پناه محمدتقی (۱۳۹۴ش)، بررسی سخن «الجنة تحت اقدام الامهات»، مجله حدیث پژوهی، ۱۴ (۲) ۱۲۹-۱۵۲

صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳). المصنف. ۱۰جلد. تحقیق حبیب بن الرحمن اعظمی. بیروت منشورات المجلس العلمی

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ۲۰جلد. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طریحی، (۱۳۷۵). مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ وَ مَطْلَعُ النَّيِّرَيْنِ. ۵جلد. تهران: مرتضوی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق) مکارم الاخلاق. قم: انتشارات شریف رضی.

_____ (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. المكتبة الحیدریه

_____ (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ۱۰جلد. تهران: انتشارات ناصرخسرو

فتال نیشابوری، محمدبن احمد (۱۳۷۵ش). روضه الواعظین، ۲جلد. قم: نشر رضی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق) کتاب العین. ۸جلد. قم: موسسه الاعلمی للمطبوعات

فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۰۶). الوافی. ۲۶جلد. اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۲۸ق) المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. بیروت: المكتبة العصرية

قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش). تفسیر نور. ۱۰جلد. چاپ یازدهم. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. ۷جلد. چاپ ششم. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه،

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. ۸جلد. تهران: دارالکتب الاسلامیه

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق) بحار الانوار. ۱۱۰جلد. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ۱۴ جلد. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. ۲۷ جلد. تهران: دارالکتب الاسلامیه

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ۲۸ جلد. قم: انتشارات مؤسسه آل البيت

Horovitz , Josef, (1964) , Jewish proper names and derivatives in the Koran , Hildesheim; Arthur Jeffery, The foreign vocabulary of Qur'an , Baroda; 193